

عقب نشینی غیر تاکتیکی در هر میدانی غضب الهی رابه دنبال دارد



عصر

روزنامه تجاری اقتصادی
شنبه ۲۷ مرداد ۱۴۰۳ • ۱۳ صفر ۱۴۴۶ • 17 August 2024
۸ صفحه • پنج هزار تومان • سال سوم • شماره چهارصد و شصت و شش
www.asrghanoon.ir

گلادیاتور!

فیلم جدید اصلاحات

روزنامه سازندگی با تیتراژ «گلادیاتور تنها» به دفاع از عبدالناصر همتی پرداخت و او را در برابر مجلس اصولگرا، تنها معرفی کرد

عبدالناصر همتی را به گلادیاتور تنها تشبیه کردند. مردی که به تنهایی به جنگ دولت سیزدهم رفت و سیاست‌های اقتصادی دولت قبل را به چالش کشید. با این حال همتی در مجلسی که نمایندگان جبهه پایداری صحنه گردان آن هستند، چالش جدی خواهد داشت. اغلب نمایندگان مجلس در زمره هواداران سیدابراهیم رئیسی هستند و قطعاً به تلافی سه سال نقد جدی همتی بر اقتصاد رئیسی، زیر دو خم او را می‌گیرند.

در صفحه ۵ بخوانید



تنوع، تکثر و فرصت‌های پیش رو



قرآن و اسلام همه مسلمانان را یک امت واحد خوانده در حالی که امروزه برخی رویدادها موجب تفرقه مسلمانان گشته است و روابط مسلمانان با یکدیگر بر طبق همان الگویی که دولت‌های غربی و استعماری به نفع خود بیان کرده‌اند.

۲

اعتاب مقدس؛ میراث ماندگار



سلمان فارسی از اشخاص بسیار مهم در تاریخ اسلام است و در منابع حدیثی از ایشان به سلمان محمدی یاد شده است.

۴

تاوان عقب‌نشینی



دشمن اول قدرت را بزرگ‌نمایی می‌کند، دنبال ترساندن مردم می‌رود، برای عقب‌نشاندن ما برنامه می‌ریزد؛ بعد که عقب‌نشینی کردیم، قدم‌های دیگرش را برمی‌دارد و جلو می‌آید.

۴

شکوفایی اقتصادی با حمایت از بخش خصوصی



اگر بخواهیم اقتصاد دانش بنیان را به عنوان یک اقتصاد مترقی در کشور و راهکار برون رفت از تنگناها و مشکلات اقتصادی کشور پیاده سازی کنیم باید از بخش خصوصی توانمند و نوآور و کسب و کارهای نوپا که مبتنی بر علم و فناوری هستند حمایت ویژه کنیم.

۵

تیم اقتصادی کابینه فارغ از بحث‌های سیاسی



آنچه می‌ماند و دارای تأثیرات به مراتب پایدارتری است، میزان توانمندی یکایک اعضای تیم اقتصادی و قدرت هماهنگی و افزایی آنها برای بهبود وضعیت اقتصادی بر مبنای یک نقشه راه مشترک و متفق القول است.

۵

پرونده فساد در فوتبال



چهار نفر از مسئولان سابق باشگاه که در آن زمان مسئولیت داشتند جزو متهمان پرونده هستند.

۸

فروپاشی رژیم صهیونیستی در جنگ فرسایشی



■ فروپاشی کامل اسرائیل در جنگ فرسایشی

رئیس سابق اطلاعات نظامی و یکی از ژنرال‌های برجسته رژیم صهیونیستی اعلام کرد اسرائیل در یک جنگ فرسایشی گرفتار شده است. عاموس یادلین پیش‌بینی کرد با این وضع اقتصاد صهیونیست‌ها دچار سقوط بیشتری می‌شود. علاوه بر این درگیری رژیم در پرونده‌های حقوقی در دادگاه‌های بین‌المللی باعث انزوای آن خواهد شد.

"اموس یادلین" رئیس سابق بخش اطلاعات نظامی ارتش رژیم صهیونیستی در اظهاراتی در این باره گفت: راهبرد پیروزی همه جانبه اعلام شده توسط «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر اسرائیل در خدمت راهبرد ایران برای سرنگون کردن اسرائیل طی یک جنگ فرسایشی طولانی، در چندین جبهه است. وی اضافه کرد: اسرائیلی‌ها می‌دانند که نتانیاهو آنها را به سمت یک تراژدی راهبردی پیش می‌برد. یادلین افزود: ادامه جنگ در غزه با وجود جبهه‌های متعددی که علیه اسرائیل گشوده شده است، ما را به جنگی طولانی و تشدید تنش در چند جبهه می‌کشاند. رژیم صهیونیستی به دلیل پاسخ حتمی محور مقاومت به ترور رئیس دفتر سیاسی حماس و فرمانده ارشد حزب‌الله لبنان در ترس و نگرانی به سر می‌برد و هر روز این اضطراب و نگرانی افزایش می‌یابد.

پایگاه نظامی المطله با موشک آغاز کرد. حمله دوم در حمایت از ملت فلسطین و مقاومت شجاعانه و شرافتمندانه آنها در غزه و در پاسخ به حملات دشمن صهیونیستی به روستاها و خانه‌های امن بویژه در شهرک حناویه در جنوب لبنان انجام و مقر تیپ ۷۶۹ ارتش کودک‌کش در پادگان کریات شموه با موشک کاتیوشا هدف قرار گرفته شد. طبق بیانیه سوم، در پاسخ به جنایت‌ها و ترورهای رژیم صهیونیستی در شهرک‌های حناویه و الناقوره، رزمندگان مقاومت مقر گردان ساحلی لیمان وابسته به تیپ غربی ارتش کودک‌کش در مجاورت مدیترانه را با اسکادرانی از پهپادهای مسلح مورد اصابت قرار دادند که

برآورد می‌شود در این حمله افسران و نظامیان اسرائیلی کشته و زخمی شده باشند. بیانیه چهارم حاکی از آن بود که ساختمان‌های محل استقرار نظامیان دشمن را در شهرک کریات شموه هدف قرار گرفته است. حزب‌الله سپس برای دومین بار طی یک روز با موشک فلق به مقر تیپ ۷۶۹ ارتش کودک‌کش در پادگان کریات شموه شلیک کرد. پایگاه السماقه در تپه‌های اشغالی کفرشوبا دیگر هدف عملیات روز جمعه بود. در آخر هم محل اختفای نظامیان اشغالگر در شهرک صهیونیست المناره با سلاح‌های مناسب منهدم شد. همچنین رادیو ارتش عبری اعلام کرده بود ۱۵ موشک از جنوب لبنان در مناطق شلومی و الکابری واقع در غرب الجلیل فرود آمده که گفته می‌شود یکی از اهداف مقر سامانه گنبد آهنین بوده است.

■ حمله از غزه به اشکلون

رسانه‌های عبری دیروز همچنین از شنیده شدن صدای آژیر در منطقه اشغالی عسقلان و در پی آن برخواستن صدای انفجار در نواحی نزدیک به نوار غزه خبر دادند. ارتش اسرائیل مدعی شد سامانه هوایی‌اش موشکی را که از نوار غزه به سمت زکیم و بندر راهبردی اشکلون (واقع در شمال غزه) پرتاب شده بود، رهگیری کرده است اما به نظر می‌رسد برخی نقاط توسط حماس یا جهاد اسلامی هدف قرار گرفته باشند.

تارنمای آکسیوس به نقل از منابع آگاه گزارش داده بود ژنرال مایکل کوریل، برای دومین بار پیاپی به قدس اشغالی رفته اما خبرنگار شبکه عبری کان ادعای جالبی مطرح کرد. آمیخای استین، خبرنگار امنیتی نوشت فرمانده سنتکام برای سومین بار طی یک هفته به سرزمین‌های اشغالی سفر کرده تا با مقامات برای گفت‌وگو درباره تنش منطقه‌ای دیدار کند. برخی رسانه‌های غربی مدعی شدند مقامات آمریکایی در پیامی به همتایان اروپایی خود از آنها خواسته‌اند با میانجی‌گری میان واشنگتن و تهران مانع از پاسخ ایران به عملیات تروریستی اخیر اسرائیل در ترور رئیس دفتر سیاسی حماس شوند.

روزنامه هآرتس گزارش داد با نزدیک شدن به پایان هفته یهودی (شنبه)، جاده‌های منتهی به تل‌آویو خالی از خودرو است و این به دلیل وحشت اسرائیلی‌ها از تهدید حملات موشکی و پهپادی ایران و حزب‌الله است. در چنین شرایطی یونا یاهو، شهردار بندر حیفا از ساکنان خواسته است مواد غذایی و آب که برای ۶ روز کافی باشد ذخیره کنند. او قبلاً گفته بود این شهر در معرض شلیک روزانه ۴ هزار موشک قرار خواهد گرفت و شلیک این تعداد موشک ویرانی عظیمی به بار خواهد آورد. در این راستا هآرتس دیروز با اشاره به اینکه ساکنان حیفا همانند دیگر شهرک‌نشینان اعتمادی به کابینه نتانیاهو برای مدیریت بحران ندارند، نوشت آنها بشدت نگران وقوع فاجعه‌ای بزرگ در صورت حمله حزب‌الله به این بندر که مملو از مواد منفجره خطرناک است، هستند.

■ حزب‌الله کماکان صهیونیست‌ها را درو می‌کند

حزب‌الله لبنان دیروز در دور جدید عملیات خود علیه رژیم منحوس صهیونیستی، چند مقر فرماندهی و محل استقرار نظامیان این رژیم را در شمال فلسطین اشغالی با پهپاد و موشک هدف قرار داد. روز جمعه مقاومت عملیاتی گسترده را در ۷ مرحله علیه اهداف نظامی اسرائیلی به موازات مرز لبنان، از ارتفاعات مجاور جولان اشغالی تا ساحل مدیترانه انجام داد. حزب‌الله طی ۷ بیانیه پی‌درپی در این مورد اطلاع‌رسانی کرد. حزب‌الله دیروز عملیاتش را با منهدم کردن محل تجمع نظامیان رژیم صهیونیستی در اطراف



سیاست‌های متناقض

آمریکادر جنگ غزه

دستگاه سیاست خارجی آمریکا یکی از متناقض‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین پرونده‌های امنیتی تاریخ این کشور را در منطقه غرب آسیا پی‌ریزی می‌کند. از عملیات طوفان‌الاقصی تاکنون آمریکایی‌ها با حضور مستقیم و غیرمستقیم در عملیات‌های نظامی و تروریستی مانند حمله به یمن و مواضع حشدالشعبی، ترور شهید اسماعیل هنیه و فواد شکر نشان دادند ضلع اصلی میدان نبرد هستند و نقشی فراتر از پشتیبانی و تدارکات‌رسانی به رژیم صهیونیستی دارند.

در حالی که روز جمعه ۱۹ مرداد سران کشورهای آمریکا، قطر و مصر پیشنهاد دادند از ۲۵ مرداد مذاکرات آتش‌بس میان رژیم صهیونیستی و گروه حماس که با واسطه‌گری دوحه و قاهره به شکل غیرمستقیم انجام می‌شد، بار دیگر از سر گرفته شود، اما رژیم اشغالگر با چراغ سبز آمریکا بامداد شنبه با استفاده از بمب‌های حرارتی ۷۰۰۰ درجه‌ای ساخت آمریکا به کشتار جدید در مرکز شهر غزه دست زد و با بمباران مدرسه تابعین ۱۰۰ نفر را به شهادت رسانده و ده‌ها نفر را مجروح کرد.

انتشار بیانیه سران سه کشور به سرکردگی آمریکا برای تحقق آتش‌بس در وضعیت کنونی گویای اهداف از پیش تعیین شده برای خنثی‌سازی و ایجاد اختلال در محاسبات ایران در پاسخ به خونخواهی شهید اسماعیل هنیه دارد:

۱. آمریکا با آغاز مذاکرات آتش‌بس به دنبال تأخیر انداختن و منصرف کردن ایران از پاسخ قطعی به ترور فرماندهان ارشد محور مقاومت است و امید آن دارد با خرید زمان مدیریت صحنه نبرد را در دست گرفته و توان مقابله با حملات محور مقاومت را داشته باشد.

۲. افزودن موضوع آتش‌بس به صحنه نبرد مدنظر مقامات غربی است و پذیرفتن آن از طرف رژیم صهیونیستی می‌تواند افکار عمومی را به سمت فشار برای قبول شرایط تحمیلی توافق به حماس و محور مقاومت ترغیب کرده و قبول نکردن آتش‌بس، انگشت اتهام برای جنگ‌طلبی و مقصر آغاز جنگ منطقه‌ای را به سمت محور مقاومت ببرد.

۳. آمریکا درصدد است که اگر محور مقاومت در صورت قبول آتش‌بس از حمله منصرف نشود تا حد امکان زمان حمله را به تأخیر انداخته و از شدت حملات بکاهد و بازدارندگی رژیم صهیونیستی را حفظ کرده و بتواند از زیرساخت‌ها و تأسیسات نظامی رژیم محافظت کند.

۴. با توجه به نزدیک بودن انتخابات آمریکا، دستیابی به آتش‌بس به سرکردگی آمریکا می‌تواند دستاورد بزرگی برای حزب دموکرات داشته و انحصار مدیریت صحنه نبرد در غرب آسیا و کنترل محور مقاومت را از آن خود کند. با گذشت بیش از ۱۰ ماه از عملیات طوفان‌الاقصی، تل‌آویو در تحقق اهداف اعلام شده دچار شکست‌های راهبردی شده و ماشین جنگی رژیم صهیونیستی با حمایت آمریکا به دنبال قدرت‌نمایی پوشالی با حربه ترور و جنایات جنگی علیه زنان و کودکان با هدف کسب قدرت میدانی در منطقه است. در این کارزار، واشنگتن با سیاست‌های متناقض در مقام شعار و اظهارات دیپلماتیک حامی حقوق مردم فلسطین شده است، اما در عمل با حضور میدانی و ارسال تسلیحات پیشرفته به ارتش رژیم صهیونیستی سهم پر رنگی در روند نسل‌کشی غزه دارد.

آتش سطل اشغال‌ها و غضب الهی

محسن‌مهدیان

نیز ایجاد ترس است. ترس ساختار ذهن را عوض می‌کند و سلول‌های مغزی را از بین می‌برد و موجب استیصال و زوال عقل می‌شود. دشمن در اغتشاشات ۱۴۰۱ همه ابزارها را بکار بست تا این تلقی را جا بیندازد که آشوب، قدرت مسلط در خیابان هاست، اما کدام خیابان؟ کدام میدان؟ مردم که بی‌اعتنا بودند و تماشاگر؛ پس سطل اشغال آتش می‌زد تا به میدان ذهن راه یابد. سطل اشغال را نماد گرفتیم، واگر نه خون ریختن از شهدای مظلوم امنیت نیز کار کردش همین بود. ترس و خشونت ذهنی باید جای غیبت میدانی مردم را پر می‌کرد. حالا این ارادل و اوپاش وقتی ابعاد جهانی می‌گیرند می‌شوند رژیم صهیونیستی. زدن زن و بچه در غزه حکمش همین است. شکست حماس میسر نشد و از سویی هر روز رژیم در عالم تحقیر شده است و از سرناچاری باید چشم‌ها را پر می‌کرد تا در سایه جنایت و خون، وحشت ایجاد کند. برخی هم باور می‌کنند.

■ اما راه حل چیست؟

راه اول چشم‌باز و رصد کردن دشمن است. دقیق ببینیم. عمیق ببینیم. شکست‌های دشمن را ببینیم. اما این کافی نیست. راه تکمیلی دیدن قله هاست. تماشای قله‌های مقاومت، کمک می‌کند دل‌ها قرص و محکم شود. جلوه راستین این قله‌های شجاعت و صلابت نیز شهدا هستند. تماشای چهره شهدا و خواندن وصیت‌نامه‌ها و سبک زندگی مجاهدانه آنها و تکریم و سردست گرفتن آنها، میانبر شناختی است. هم آرامش می‌دهد و هم انسان را آماده قیام می‌کند.

و آنچه رهبرانقلاب گفت... رهبرانقلاب در دیدار با مسئولین کنگره شهدا به این تذکر مهم توجه دادند. هم مردم را و هم مسئولین را. هم حوزه نظامی را و هم حوزه فرهنگی و سیاسی را. خلاصه کلام شان این بود: نکند در جنگ روانی دشمن بتوسیم و از سر ترس دچار عقب‌نشینی غیر تاکتیکی شویم که آنروز، روز غضب الهی است... و حالا باید از این تذکر بتوسیم. ترس حقیقی و از سر عقل اینست. ترس از غضب الهی.

نشانه قدرت نظامی است؟ هدف یک چیز است: جنگ میدان در خدمت جنگ اذهان. هدف پر کردن چشم هاست، چشم‌هایی که باید آتش و خشونت را ببینند تا ذهن منکوب و میخکوب و تخته‌بند شود. می‌خواستند یک انگاره را در ذهن‌ها جا بیندازند. اینکه ما قدرت داریم و همه جا هستیم. هر چند عده‌ای در داخل نیز جاهلانه و از سر خود تحقیری همین پروژه را تکمیل کردند اما واقعیت این بود که عملیات تروریستی و جنایتکارانه در همه جای دنیا مذبوحانه و حقیرانه است و البته خیلی به پیچیدگی‌های عملیات نظامی نیاز ندارد. اما کارکردی فراتر از میدان دارد که اثرش بر اذهان است. چه تغییری در میدان نبرد افتاده است؟ ماجرا نسبت به گذشته متفاوت است. پیشتر ذهن‌ها در خدمت میدان بود. امروزه میدان در خدمت ذهن‌ها. دشمن به این سطح از هوشیاری رسیده است که قبض میدان در گروی بسط و تسلط بر اذهان است. پس آتش میدان برای خاکستر نشاندن بر اذهان است. آتش سطل اشغال‌ها را اینجا تحلیل کنید. همین دودها برای عده‌ای زوال عقلی می‌آورد.

■ اصل حرف چیست؟

امروز برخلاف گذشته در این جنگ تمام عیار هیبریدی و ترکیبی، میدان در خدمت اذهان قرار گرفته است. جنگ در میدان ساخته می‌شود تا نبرد در ذهن‌ها را شکل دهد. ذهن چیست؟ فقط مغز نیست. ذهن روح و هویت و جان انسان هاست. یعنی قوه اراده انسانی. یعنی نظام شناختی و تصمیمی‌گیری و در نهایت رفتار آدم‌ها.

امروز دشمن، میدان را به خدمت گرفته است تا پروژه جنگ روانی و جنگ شناختی‌اش کامل شود. مهمترین ابزار جنگی در میدان

۱. خاطراتان هست روزهای اولیه اغتشاشات ۱۴۰۱ برخی چه حسی داشتند؟ هرکس در خانه نشسته و غرق اینستاگرام بود، از آتش سطل اشغال‌ها احساس می‌کرد نظام سقوط کرده است و اگر برای خرید نان و ماست بیرون نمی‌آمد باور نمی‌کرد خبری نیست و هر چه هست دود است. اما هدف از آتش کشیدن سطل اشغال چه بود؟ آتش، چشم‌ها را می‌گیرد. در میدان مردم را نداشتند و لازم بود با آتش و دود چشم‌ها را پر کنند.

۲. خاطراتان هست روزهای آخر اغتشاشات ۱۴۰۱ چه اتفاقی افتاد؟ وقتی همه چیز رو به پایان و آرامش بود؛ سلاخی شهید عجمیان برای این روزهاست. با آن جزئیات دردناک. اما هدف از آن جنایت چه بود؟ الفای ادامه جنگ افروزی... به همین دلیل به یک خبر جنایتکارانه نیاز داشتند تا پر سرو صدا باشد، خون، چشم‌ها را پر می‌کند.

۳. چرا اسماعیل هنیه را باید بزنند؟ یک شخصیت دیپلماتیک آنهم در میدان غیر جنگی؟ اساسا چرا باید اینهمه کودک و زن و مردم بی‌گناه را در غزه زیر آتش بکشند؟ مگر کشتار بی‌جهت



گلا دیاتور؛ فیلم جدید اصلاحات



گلا دیاتور تنها

عبدالناصر همتی در سه سال گذشته عافیت طلبی نکرد و به نقد وضعیت موجود و پیشنهاد برای اصلاح معیشت مردم پرداخت. اکنون باید دید او چه برنامه‌ای برای سکانداری اقتصاد ایران دارد و آیا می‌تواند به راحتی از سد مجلس اصولگرا عبور کند؟

سیاستمداری که سه سال پیش داعیه ریاست جمهوری داشت و سه سال بی‌وقفه مشغول انتقاد از دولت سیزدهم بود، گزینه پیشنهادی رئیس جمهور برای تصدی وزارت امور اقتصادی و دارایی است و شاید همین روزها کلید ورود به عمارت تاریخی باب‌همایون را از مجلس تحویل بگیرد.

اگر همه چیز خوب پیش برود، عبدالناصر همتی به زودی سکان دار وزارتخانه‌ای می‌شود که بزرگانی چون هوشنگ انصاری، محمد یگانه، محسن نوربخش و داود دانش جعفری سال‌ها کلیددار آن بوده‌اند. وزارتخانه‌ای که متصدی اصلی تنظیم سیاست‌های اقتصادی و مالی و سیاست‌های مالیاتی است.

وزارت‌خانه‌ای که دولتی درون دولت محسوب می‌شود و وزیر آن نقشی کلیدی در سیاست‌گذاری اقتصادی کشور دارد.

او رئیس بانک مرکزی بوده و مدتی هم ریاست بیمه مرکزی را بر عهده داشت که هر دو به نوعی زیرمجموعه وزارت اقتصاد هستند. مطابق قانونی قدیمی، رئیس کل بانک مرکزی را وزیر اقتصاد به رئیس جمهور پیشنهاد می‌دهد و او وزیر حکمش را امضا می‌کند. رئیس کل بیمه مرکزی هم به طور مستقیم توسط کلیددار باب همایون عزل و نصب می‌شود. به این ترتیب همتی در نقطه‌ای قرار می‌گیرد که بالاتر از پست‌های قبلی اوست اما آیا ساختمان باب همایون در حد و اندازه همتی هست؟



تیم اقتصادی کابینه فارغ از بحث‌های سیاسی

محمدایمانی

نکته مغفول در جریان مباحث مربوط به کابینه، تیم اقتصادی دولت است. به اعتبار کش و قوس‌ها درباره صلاحیت‌های سیاسی وزیران پیشنهادی، این نکته مهم مورد غفلت قرار گرفته که تیم اقتصادی دولت چه ترکیبی دارد، سکاندارش کیست، و این تیم طبق کدام اولویت و جهت گیری انتخاب شده است؟ قبلا عنوان می‌شد که آقای طیب نیا معاون اول می‌شود و تیم اقتصادی را اداره می‌کند. اما او را نپذیرفتند یا او نپذیرفت و آقای عارف معاون اول شد، چهره‌ای که قطعاً در تراز مدیریت اقتصادی نیست. طبعاً طیب نیا هم از از موضع مشاور رئیس جمهور، نمی‌تواند مدیریت بکند و فرمانده ارشد باشد.

چالش دوم به توانمندی هر یک از اعضای تیم و میزان همگرایی و تعامل آنها بر می‌گردد. فعلا رئیس سازمان برنامه و بودجه (پورمحمدی) معرفی شده که تا حدودی دارای گرایش‌های تعدیلی است. سرنوشت رئیس بانک مرکزی هم فعلا نامعلوم است. می‌ماند وزرای اقتصاد، تعاون و کار و رفاه، جهاد کشاورزی، راه و شهرسازی، صمت، نفت و نیرو، مشخصاً گفته می‌شود گرایش احمد میدری، وزیر پیشنهادی کار و رفاه (فارغ از صلاحیت سیاسی وی) نهادگرایانه و مخالف رویکردهای تعدیلی است و حال آن که همتی نامزد وزارت اقتصاد و پورمحمدی برنامه و گویا وزیر پیشنهادی نفت، به گرایش‌های تعدیلی قرابت زیادی دارند.

این مسئله می‌تواند خود را در موضوعاتی مانند تعیین قیمت ارز، یارانه‌های پرداختی برای برخی اقلام اساسی، نحوه تأمین کسری بودجه و... نشان بدهد. همچنین نوع اختلافاتی که بعضاً در دولت‌ها میان وزارت رفاه و صمت و جهاد کشاورزی پدید آمده و موجب آسیب‌هایی شده است. موضوع فرماندهی ستاد اقتصادی، به داخل دولت بر می‌گردد و آقای پزشکیان باید تدبیر جدی در این باره بیاندهد.

اما صلاحیت تخصصی یکایک وزرا و همچنین امکان تعامل یا تعارض آنها - به اعتبار تفاوت نگرش‌ها - دو موضوع مهمی است که مجلس باید مطالبه کند و در رای اعتماد مدنظر داشته باشد. کش و قوس‌های سیاسی به زودی فرو می‌نشینند و کابینه مستقر می‌شود. آنچه می‌ماند و دارای تأثیرات به مراتب پایدارتری است، میزان توانمندی یکایک اعضای تیم اقتصادی و قدرت هماهنگی و هم افزایی آنها برای بهبود وضعیت اقتصادی بر مبنای یک نقشه راه مشترک و متفق القول است. این حق مردم است و باید به درستی صیانت شود.

گلا دیاتور اقتصاد

عبدالناصر همتی را به گلا دیاتور تنها تشبیه کردند. مردی که به تنهایی به جنگ دولت سیزدهم رفت و درحالی که دیگر همزمانش سکوت کرده بودند یا ترجیح دادند وارد چالش با دولت سیدابراهیم رئیسی نشوند، عافیت‌طلبی را کنار گذاشت و سیاست‌های اقتصادی دولت قبل را به چالش کشید.

همتی هر روز در حساب شخصی‌اش در شبکه ایکس همچنین در کانال تلگرامی‌اش یا در اظهارنظرهای مطبوعاتی، نقدهای جدی به سیاست‌های اقتصادی دولت وارد می‌کرد.

به طور مشخص سیاست‌های مالی و پولی دولت سیزدهم که وزیر اقتصاد و رئیس کل بانک مرکزی متولی آنها بودند از نقدهای صریح آقای همتی در امان نماندند. آن روزها یکی از افرادی که بدون ملاحظه پاسخ همتی را می‌داد، محمدرضا فرزین بود که اکنون سرنوشتش به دو شکل در دستان همتی است.

اگر همتی در مجلس رای بیورده، فرزین با نظر مستقیم و غیرمستقیم او شاید در بانک مرکزی بماند و شاید هم بانک مرکزی را ترک کند.

حتی اگر همتی وزیر اقتصاد نشود، باز هم احتمال اینکه پزشکیان در بانک مرکزی از او استفاده کنند، زیاد است بنابراین فرزین باید از بانک مرکزی خداحافظی کند.

مسعود پزشکیان به میزان زیادی به همتی اعتقاد دارد؛ چنانکه در روز پیروزی قطعی‌اش به دو نفر وعده حتمی وزارت داد؛ یکی به عباس عراقچی برای وزارت خارجه و دیگری به همتی برای وزارت اقتصاد.

به این ترتیب از همان ابتدا برای ظریف و اعضای شورای راهبردی مشخص بود که همتی و عراقچی سرچهرای دولت چهاردهم هستند.

به این ترتیب با پیروزی پزشکیان و قولی که به او داد، همتی برای تجدید قوا به شمال سفر کرد و ۱۰ روز در ویلای شخصی‌اش استراحت کرد و برنامه نوشت و در نهایت نامش به عنوان وزیر پیشنهادی اقتصاد به مجلس داده شد.

برنامه‌های همتی

عبدالناصر همتی برنامه‌هایش را در سفر شمال نوشت و خیلی زودتر از دیگران توانست پیشنهادهای مشخص خود را به مسعود پزشکیان بدهد.

او در دیداری که به بهانه پیروزی پزشکیان داشت، شمایی از برنامه‌های خود را ارائه کرد. همتی در این دیدار گفت: با منابع انسانی و فیزیکی که در کشور وجود دارد، می‌توان با تعامل در

داخل و خارج و یک مدیریت منسجم و کارآمد، کارهای مهمی انجام داد.

همتی روی این نکته که تیم اقتصادی باید هماهنگ باشد نیز تاکید کرد. او به پزشکیان گفت: انشالله با تدابیر دولت ایشان و نیز همراهی سایر قوا شاهد یک تحول مثبت در صحنه اقتصادی کشور باشیم.

گزارش آقای همتی جلدی فیروزه‌ای دارد و به رنگ انتخاباتی پزشکیان تهیه شده است. محور اصلی این برنامه، افزایش تعامل با اقتصاد جهان و کشورهای منطقه است.

اولین بخش منتشر شده از برنامه همتی برای وزارت اقتصاد به تصریح اصول کلی این برنامه می‌پردازد.

بر این اساس، توسعه همه‌جانبه، شفافیت و پاسخگویی، تقویت بخش خصوصی، ثبات اقتصادی، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و تعاملات بین‌المللی اصول کلی حاکم بر برنامه این سیاستمدار برای تصدی وزارت اقتصاد است.

او در بخش بعدی، سرفصل‌های دیدگاه‌های حاکم بر برنامه خود را معرفی می‌کند و درباره هر یک از آنها توضیحی مختصر ارائه می‌دهد.

بر این اساس، دیدگاه‌های حاکم بر برنامه شامل تاکید بر «رشد پایدار اقتصاد و ایجاد شغل»، «کنترل تورم و ثبات اقتصادی»، «اصلاح ساختاری اقتصاد»، «شفافیت و مبارزه با فساد»، «توسعه منابع انسانی»، «تقویت دیپلماسی اقتصادی» و «توجه به مسائل اجتماعی و زیست‌محیطی مربوط به حوزه کار این وزارتخانه» می‌شود.

بر این اساس در بخش «رشد اقتصادی پایدار و ایجاد شغل» به اقداماتی چون توسعه بخش خصوصی، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، حمایت از صادرات غیرنفتی و تسهیل‌گری مالی برای توسعه فناوری و نوآوری اشاره شده است.

برنامه این وزیر پیشنهادی برای «کنترل تورم و ثبات اقتصادی» به سه مورد انضباط در سیاست‌های پولی و مالی، اصلاح نظام بانکی و مدیریت انتظارات تورمی محدود می‌شود.

بخش اصلاحات اقتصادی نیز سه سرفصل خصوصی‌سازی و کوچک‌سازی دولت، کاهش مداخله دولت در اقتصاد و اصلاح نظام مالیاتی به چشم می‌خورد.

در بخش پایانی این گزارش، همتی ۹ راهبرد را برای وزارت اقتصاد برمی‌شمرد؛ در میان این موارد عنوانی چون کنترل تورم و ثبات بخشی به اقتصاد، رشد اقتصادی فراگیر و اشتغال‌زا، مبارزه با فساد و افزایش شفافیت، عدالت‌گستری و کاهش فقر و شکاف درآمدی، گسترش تعامل سازنده با اقتصاد جهانی و رشد

همتی و چالش مجلس

همتی، اقتصاد خواننده و سیاستمداری اهل مبارزه است. یکی از ویژگی‌های او سرسخت بودن است اما همین ویژگی گاه او را دچار خطای محاسباتی می‌کند.

اگر موضوعی از نظر او درست باشد، پای آن می‌ایستد و به هیچ عنوان کوتاه نمی‌آید اما موضوع این است که گاهی موضوع به زعم او درست، خطای بزرگی است که همتی بر اجرای آن اصرار می‌ورزد. با همه اینها قواره همتی از وزارت اقتصاد هم بزرگ‌تر است.

همان‌طور که اشاره شد، عبدالناصر همتی و عباس عراقچی سرچهرای کابینه مسعود پزشکیان هستند و به احتمال زیاد برای گرفتن رای اعتماد، مشکل زیادی نخواهند داشت.

با این حال همتی در مجلسی که نمایندگان جبهه پایداری صحنه‌گردان آن هستند، چالش جدی خواهد داشت. اغلب نمایندگان مجلس در زمره هواداران سیدابراهیم رئیسی هستند و قطعاً به تلافی سه سال نقد جدی همتی بر اقتصاد رئیسی، زیر دو خم او را می‌گیرند.

اگر همتی موفق شود از چالش مجلس اصولگرا سالم خارج شود که هیچ، در غیر این صورت به احتمال زیاد او راهی بانک مرکزی می‌شود و مسعود پزشکیان فرد دیگری را برای تصدی وزارت اقتصاد معرفی خواهد کرد.

شکوفایی اقتصاد با حمایت از بخش خصوصی

اسماعیل قادری فر



برنامه «گفتگوی اقتصادی» رادیو گفت و گو درباره راهکارهای تقویت اقتصاد دانش بنیان‌ها برای رسیدن به رشد پایدار با اسماعیل قادری فر مدیر طرح ملی زنجیره‌های ارزش راهبردی معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری مصاحبه تلفنی کرد.

قادری فر با بیان اینکه ما در نگاه ساختاری برای توسعه اقتصاد دانش بنیان کشور مشکل قانون و قانون گذاری نداریم گفت: قانون «حمایت از نوآوری و تجاری سازی اختراعات» در سال ۱۳۸۹ به تصویب مجلس وقت رسید و مجری این قانون هم معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری بود. این قانون ۱۰ سال بعد به عنوان «قانون جهش تولید دانش بنیان» در سال ۱۴۰۱ وارد فاز جدیدی از حمایت از سیستم نوآوری کشور شد.

وی افزود: با وجود اینکه موانع خارجی و تحریم‌های مختلف در این چند سال علیه اقتصاد کشورمان اعمال شده و همچنان هم اعمال می‌شود اما معتقدم که حمایت مداوم و مستمر و بدون قید و شرط از بخش خصوصی می‌تواند باعث شکوفایی اقتصاد دانش بنیان و ارتقای اقتصاد کشور و گذار از اقتصاد نفت پایه به سمت اقتصاد نفع پایه (نوآوری، فناوری و علم) شود.

مدیر طرح ملی زنجیره‌های ارزش راهبردی معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری با بیان اینکه مقیاس کوچک این طرح در جامعه‌ی ۹۶۰۰ شرکت دانش بنیان و ۷ هزار استارت آپ

و کسب و کار نوپا در کشور به همت معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری عملیاتی شده است گفت: اگر بخواهیم اقتصاد دانش بنیان را به عنوان یک اقتصاد مترقی در کشور و راهکار برون رفت از تنگناها و مشکلات اقتصادی کشور پیاده سازی کنیم باید از بخش خصوصی توانمند و نوآور و کسب و کارهای نوپا که مبتنی بر علم و فناوری هستند حمایت ویژه کنیم.

این مقام مسئول در پایان عنوان کرد: ما به عنوان معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری در «طرح ملی زنجیره‌های ارزش راهبردی» به دنبال حلقه‌های مفقوده اقتصاد دانش بنیان هستیم که نیازمند حمایت هستند.



چرا بانک مرکزی باید فعالانه پایه پولی را افزایش دهد؟

سیدمحمدنبی زاده

همزمان با انجام سیاست کنترل ترانزنامه و گذاشتن محدودیت بر نقدینگی، بانک مرکزی باید پایه پولی را نیز فعالانه افزایش دهد.

این افزایش به علل مختلفی از جمله نیاز تسویه نقدینگی، ممانعت از اتفاق افتادن اضافه برداشت، شکستن نرخ بازار بین بانکی، انتشار کمتر پایه پولی نسبت به حالت اضافه برداشت، کاهش ریسک سیستماتیک، تشویق بانک‌های خوب و تأمین مالی پروژه‌های توسعه‌ای و پیشران باید صورت پذیرد.

تکرار اشتباهات گذشته و افزایش منفعلانه پایه پولی از طریق اضافه برداشت نباید تکرار شود.

قورباغه؛ آبی که سر بالا می رود

پارمیس ناقب فر

■ به سراغ سریال ایرانی دیگری رفتیم. سریال «قورباغه» اولین تجربه‌ی سریال‌سازی هومن سیدی است و خانم پارمیس ناقب فر در متن پیش رو به نقد و بررسی آن پرداخته‌اند که در ادامه می‌توانید بخوانید:

■ آب که سر بالا می‌رود

«قورباغه» از آن سریال‌هایی است که یک عده خیلی دوستش دارند و یک عده نیز به شدت از آن بدشان می‌آید که شاید کمی از این دوست داشتن و نداشتن به شناسنامه و سن افراد ربط داشته باشد! باید حداقل اسم چند مدل مواد مخدر به گوشت خورده باشد و یا دربار‌های سوزده‌های مربوط به مواد مخدر کنجکاو داشته باشی و آن قدری هم فیلم ندیده باشی که تفاوت کپی از اصل را تشخیص بدهی تا «قورباغه» و تصاویری که ارائه می‌دهد را درک کنی.

«قورباغه» محصول سال ۱۳۹۹-۱۳۹۸ است و ژانر جنایی، معمایی، درام و دلپرده‌آور دارد. این سریال که اولین تجربه‌ی هومن سیدی به‌عنوان فیلم‌نامه‌نویس و کارگردان در سریال‌سازی و در شبکه‌ی نمایش خانگی است هنگام فیلم‌برداری به پاندمی کرونا برخورد کرد و به همین دلیل در فیلم‌برداری آن وقفه‌هایی افتاد.

هومن سیدی که با آثاری مانند «مغزهای کوچک زنگ‌زده»، «خشم و هیاهو»، «سوزده» و... نشان داده با قاب‌بندی‌های غیرکلاسیک عاشق روایت‌هایی جنایی و روانشناختی است، توانسته موفقیت‌های زیادی را در این حوزه کسب کند. او که از زمان ساخت آثار کوتاهش نیز نشان داده بود دل‌بسته‌ی فرم‌گرایی و اسلوب ژانر است، با سبک آثاری باعث می‌شود که مخاطب با دیدن آن‌ها به یاد آثار خارجی بیفتد. نکته‌ای که در مورد «قورباغه» نیز صدق می‌کند. (تنها «مغزهای کوچک زنگ‌زده» از این قاعده مستثنا بوده و به نظر می‌رسد بومی است) داستان سریال «قورباغه»

داستان «قورباغه» به‌صورت خلاصه از این قرار است که سه سارق به نام‌های فرید (اشکان حسن پور)، جواد (شهرزاد دل افکار) و رامین (صابر ابر) دست به سرقت از یک فرد پولدار به نام نوری (نوید محمدزاده) می‌زنند، اما نوری متوجه شده و با استفاده از قدرت هیپنوتیزم خود، فرید را هیپنوتیزم می‌کند تا به جواد و رامین و خودش شلیک کند. رامین که جان سالم به در می‌برد طی فرآیندی به خانه‌ی نوری آمده و برای مدت کوتاهی آنجا ساکن می‌شود. او متوجه می‌شود که نوری به ماده‌ای مخدر دسترسی دارد که از طریق آن می‌تواند افراد مختلف را وادار کند به میل او رفتار کنند. رامین در تلاش است که این ماده را به دست آورد. او در این راه تنها نیست و البته تنها کسی هم نیست که اشتیاق تصاحب این سرچشمه‌ی قدرت را دارد...

خلاصه‌ی داستان بسیار زیبا، متفاوت و هیجان‌انگیز است اما این خلاصه در تبدیل شدن به فیلم‌نامه ناکام مانده. زیرا پرواضح است که کل کار بر اساس یک ایده جلو رفته و فیلم‌نامه‌ای در کار نیست.

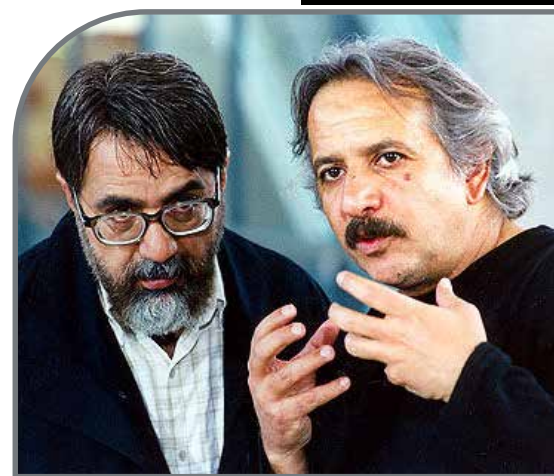
رامین به‌عنوان راوی در ابتدای هر قسمت جملاتی می‌گوید که قرار است برای رفتن به لایه‌های زیرین داستانی به ما کمک کند. ولی این عبارات مانند سایر جمله‌های حکیمانه‌ی شخصیت‌های سریال نجسب و بی‌کار کرد باقی می‌مانند. جملاتی مانند: «برنده کسیه که اروم و بی‌صدا به یه سمتی بره که هیچ کس فکرتش رو نمی‌کنه». از قسمت سوم، یا «من خود سرطانم. هر چقدر کوچیک، اما اوادم انتقام بگیرم. عقب نمی‌کشم. من خود دردم». از قسمت هفتم!

این سریال پر است از فلاش‌بک‌ها و خاطرات، تا حدی که جایی یک قسمت کامل به گذشته اختصاص دارد. این تکنیک کار را خوش‌رنگ و لعاب کرده ولی صرفاً برای پر کردن زمان بوده و تأثیری در قصه ندارد.

شخصیت‌پردازی‌ها در این اثر کامل نیستند و ما نمی‌توانیم با آن‌ها ارتباط برقرار کنیم. نکته‌ای که گاهی باعث می‌شود دلیل عکس‌العمل‌های آن‌ها را نسبت به مسائل ندانیم. مثلاً در تصویری رامین در خاطرات کودکی‌اش دنبال قورباغه است و در برکه می‌افتد و حالا در بزرگسالی نیز ماده‌ی سمی قورباغه را می‌خواهد و به بدبختی و خون ریختن افتاده. نکته‌ای بدون عمق و دلیل و مصنوعی و بدون پیوند با داستان که فقط به دنبال یک تناظر مصنوعی است؛ مانند باران ماهی و قورباغه در پایان فیلم که بی‌دلیل از فیلم «مگنولیا» (Magnolia) اثر پل توماس اندرسن کپی شده و دلیلش در این فیلم مشخص نیست و کارکردی هم ندارد.

■ اقتباس یا کپی؟

هومن سیدی در تیتراژ به برداشت آزادی از فیلم فرانسوی



بودن-در-جهان

وحید یامین پور

سینمایی «بید مجنون» را می‌بینم؛ و برای چندمین بار مضطرب می‌شوم. بید مجنون تلاش درخشانی است برای فراتر رفتن از حجاب‌هایی که چشم وجودبینی را کور کرده. انسان به «سمع» در این عالم است یا با «بصر»؟ کدام یک حقیقت حضور آدمی را ممکن می‌کند. نداشتن چشم سر، امتناعی در قوه خیال ایجاد نمی‌کند. آنها که نمی‌بینند، قوه دیدن حقیقی را از دست نمی‌دهند. ما همچنان با سمع در عالم هستیم؛ می‌شنویم و سخن می‌گوییم، پس هستیم. هستی ما زبانی است. چون می‌شنویم پس امکان دیدن و اندیشیدن داریم. اما آنکه نمی‌شنود، با صد دیده هم نمی‌تواند بیندیشد، چون زبان ندارد.

مجیدی پیش از بید مجنون، در «رنگ خدا» به این اندیشیده بود که «بودن-در-جهان» با القاء سمع و شنیدن آهنگ آن میسر است و چه بسا دیدن، دام موجودبینی باشد.

از جهتی دیگر بید مجنون تجربه کم‌نظیری در آشکار کردن نسبت شکر (به معنای توجه و التفات به حقیقت نعمت) با حرمان و فقدان آن نعمت است. آشکار شدن این نسبت شاید مهمترین امکان «ایمان» باشد. از این جهت بیدمجنون نمونه یک فیلم دینی با نگاه هستی‌شناختی است و نه اخلاقی.

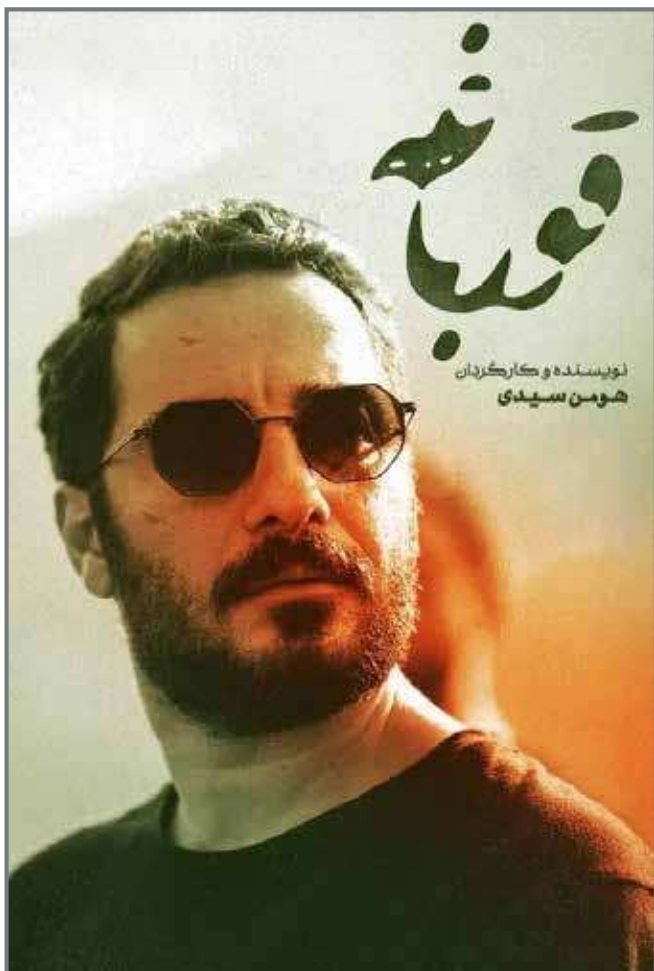
فیلم گاهی از ساحت هستی‌شناختی به ساحت اخلاق فرو افتاده و این شاید غفلت فیلمساز از تشریف است که به ترس‌آگاهی پیدا کرده است. بید مجنون آنجا که سعی می‌کند پیام اخلاقی داشته باشد فرو می‌افتد. اثر هنری باید فارغ از دغدغه پیام باشد. کار هنری ما را دیده‌ور می‌کند و همین بس است.

زوج گیلانی پس از تماشای «در آغوش درخت» از طلاق منصرف شدند



یک زوج جوان گیلانی با دو فرزند خردسال که با گذشت ده سال از زندگی مشترکشان به دلیل اختلاف نظر و عدم تفاهم، مدتی را به‌صورت طلاق عاطفی و جدایی می‌گذراندند و تصمیم به طلاق گرفته بودند، پس از تماشای یک فیلم سینمایی از تصمیم خود منصرف شدند.

این زوج که مسیر مشاوره‌های پیش از طلاق را طی می‌کردند، توسط مشاور خود به تماشای فیلم سینمایی «در آغوش درخت» که به تازگی در سینمای ایران به نمایش درآمده است، دعوت شدند و پس از تماشای این فیلم روانشناختی خانوادگی از تصمیم خود منصرف شده و به کانون خانواده خود بازگشتند.



نویسنده و کارگردان
هومن سیدی

مالی و معنوی با هیچ شخص حقیقی و حقوقی و همچنین تصویرگستر پاسارگاد ندارد و لیست تمام اسناد و مدارک مالی سریال «قورباغه» موجود و در صورت درخواست مراجع رسمی آماده‌ی ارائه است.»

■ باز هم سرقت هنری

نکته‌ی دیگری که در توقیف سریال تأثیری نداشت ولی از سوی مخاطبان به‌شدت بازخوردها مواجه شد موسیقی سریال، اثر بامداد افشار بود. شباهت بی‌اندازه‌ی موسیقی سریال به موسیقی متن سریال‌ها و فیلم‌های مختلف از جمله «دارک»، «جوکر»، «ندیمه»، «لئون» و «تنت» باعث شده بود که بسیاری از هنردوستان نسبت به این موسیقی متفاوت که برای سریال بسیار جذاب به نظر می‌رسید انتقاد داشته باشند. نکته‌ای که از نظر بامداد افشار کاملاً اتفاقی و ناخواسته بوده و دلیل آن استفاده از نت روندهای است که به آن پرتامنتو گفته می‌شود و از جنس سازهای زهی و با فضای افکتیو است و در همه‌ی آثار مذکور هم استفاده شده است.

«قورباغه» با تمام نقاط قوت و ضعف خود یکی از تلاش‌های موفق و متفاوت در سریال و فیلم ایران است. هومن سیدی با این سریال نشان داده که توانایی بالایی در کارگردانی دارد. اگرچه ممکن است این سریال برای همه‌ی مخاطبان جذاب نباشد ولی ساخت چنین سریال‌هایی، خارج از فضای درام‌های تکراری، نقطه عطفی در سریال‌سازی شبکه‌ی نمایش خانگی محسوب شده و آن را به یکی از آثار برجسته و قابل توجه در میان تولیدات نمایش خانگی بدل کرده است. مخاطب جوان این سریال می‌توانست از دیدن صحنه‌هایی که تاکنون فقط در آثار خارجی دیده بود، لذت ببرد. این سریال که توانست مخاطبان جوان را به نماوا جذب کند برای این پلتفرم یک موفقیت محسوب می‌شود. (میدان آزادی)





مسافر خوبی‌ها باشیم

نفیسه محمدی

سفر در جوانی، خاصه سفرهای زیارتی، زمانی که در اوج جوانی و انرژی باشید، دلچسب است. مثل پرزه‌های چشایی روی زبان، مثل قدرت بینایی و حافظه، که با گذر زمان و سن، قدرتشان آرام آرام رو به کاهش می‌گذارد. قدرت بدن و لذت بردن از سفر نیز با گذر سن کم و کمتر می‌شود. پس در جوانی باید لذت سفر را چشید.

پیاده‌روی اربعین مراسم و گردهمایی مذهبی است که توسط شیعیان و به صورت پیاده‌روی از مسیرهای منتهی به کربلا، به منظور زیارت و جمع شدن همه آن‌ها در چهلمین روز پس از شهادت حسین بن علی، سومین امام شیعیان انجام می‌شود. این مراسم یکی از بزرگ‌ترین اجتماعات جهان خوانده شده و از سال ۲۰۱۴ میلادی، به بزرگ‌ترین پیاده‌روی (پیمایش) و گردهمایی عمومی سالانه در جهان تبدیل شده است.

خوب است تا دربارهٔ آداب اربعین و پیاده‌روی در مسیرهای منتهی به کربلا، که در میان عراقی‌ها به «مشایه» معروف است، آدابی را بدانیم. آدابی که شیعیان و زائران باید آن‌ها را رعایت کنند. به خصوص آن‌هایی که از کشورهای دیگر به عراق وارد می‌شوند. این سفر، سفری است که مسافران بسیاری از اهل تسنن، شیعیان، مسیحی و دیگر ادیان دارد تا این مراسم باشکوه را از نزدیک ببینند و در آن شرکت کنند.

شیعیان سفر اربعین را فرصتی مغتنم می‌دانند و اعتقاد دارند اکنون و در حال حاضر، فرصتی در اختیارشان گذاشته شده است، فرصتی که حسرت ناتمام شیعیان تاریخ است. این نعمت و فرصت، ظاهرش پایدار و همیشگی است، اما اگر نگاهی به تحولات خاورمیانه داشته باشیم، می‌فهمیم این منطقه از جهان همیشه آمادۀ رویدادهایی است که فرصت را محدود کنند، پس در یک سفر اربعین هم باید شتاب داشت و حریص بود و به زمانی دیگر واگذار نکرد.

در این سفر، نباید خودخواه بود و در هر فرصتی به جای تمام شیعیان و عاشقان تاریخ که در حسرت این سفر سوختند و ساختند، قدم برداشت و اعمال انجام داد. آن‌ها و دعایشان در آسمان‌ها بی‌شک دستگیر ما خواهد بود. آنچه در اعتقاد شیعیان وجود دارد، توصیه‌های بسیار زیاد برای زیارت امام حسین (ع) در روز بیستم ماه صفر است، که به اربعین معروف است و چهل روز بعد از شهادت امام حسین و یارانش در صحرا کربلاست. این زیارت اگر زیر گنبد حضرت باشد، چه بهتر و نیکوتر، اما در این سفر، که طبق آداب و رسوم شیعیان عراق به صورت پیاده‌روی است، هر قدمی مملو از خیر و برکت برای زائرین است و حتی می‌توان به سلامی از دور بسنده کرد. پس هر خدمتی،

در این سفر باید صبور بود. صبر با کفار و ظالمین و آدم‌های لجوج، یک بخش از زندگی مومنانه است، اما یک بخش مهم صبر، صبر با اهل ایمان است. بسیاری از همسفران، مثل باقی مخلوقات خدا، از برخی کاستی‌های جسمی و روحی رنج می‌برند، که بر ما و حتی خودشان پنهان است. یکی در کسب و کارش مشکل دارد، یکی زودرنج است، یکی ناکامی دارد، یکی درگیر حسد است، یکی حسرت‌های ناتمام، برخی خشم پنهان دارند، برخی حرص ناتمام... در این سفر گوش‌های‌تان باید کر و چشم‌هاتان نابینا و زبان‌تان در سکوت باشد؛ که آفت اعمال نیکوی خود نباشید. کل مسیر را باید مشغول خویش باشید.

همگی ما در زندگی مرتکب ظلم شده‌ایم، از کوچک تا بزرگ! موارد ظلم زیادند و ما گاه حتی از وقوعش بی‌خبریم. در این سفر به یاد کسانی باشید که خواسته یا ناخواسته در حق‌شان ظلم کردید. به یاد کسانی گام بردارید که به گردن شما حقی دارند، از پدربزرگ‌ها تا پدر و مادر و همسر و رفیقی که جای شما می‌ماند، تا شما سفر بروید، تا کسانی که برای‌تان وسایل سفر را چیده‌اند؛ به نیابت همگی شیعیان تاریخ و محبین اهلیت حتی برادران ایمانی اهل سنت و دیگر ادیان، که به طریقی دیگر محب اهل بیتند. افرادی که در گذشته، حال و آینده که در حسرت این گونه زیارت‌ها بودند و ذکر دائم‌شان این شعر جانشوز بود:

بر مشامم می‌رسد هر لحظه بوی کربلا

بر دلم ترسم بهمان آرزوی کربلا

تشنهٔ آب فرات‌های اجل مهلت بده

تا بگیرم در بغل قبر شهید کربلا

آن‌ها را کریمانه در اعمال‌تان شریک کنید. به یاد زنان باردار، بیماران، زنان شیرده و جاماندگان، مرزبانان و حافظان امنیت داخلی و خارجی، اهالی موبک‌های مسیر، با هر ملیتی، اموات، بیماران بخش‌های اعصاب و روان، پیران، در گذشتگان دوران غمبار کرونا، را هم فراموش نکنید. در حد توان با خود برای کودکان مسیر، خاص کودکان اهل موبک‌ها و خانه‌های میزبانان عراقی هدیه ببرید. با احترام روی زانو هم قد کودکان بنشینید و هدیه‌های تقدیم‌شان کنید. هر انسانی سفیر و رایزن فرهنگی کشورش است، منتظر کارگزاران نباشید، از خودتان اخلاق و شعور و محبت به نمایش بگذارید.

هر ملتی عقیده و فرهنگ و سبک زندگی دارد، که لزوماً صحیح و محترم نیست؛ اما قابل درک می‌تواند باشد. از جدل و بحث با مردم کشور میزبان، ورود به دعوای سیاسی و فرقه‌ای کشور میزبان و جبهه‌گیری در برابرشان، پرهیز کنید. عراق، چهار جنگ بزرگ را در ۴۴ سال گذشته از سر گذرانده، جریانات داخلی آن کشور را بگذارید و بگذرید و با تبسم و رواداری با میزبانان برخورد کنید. از پیچ و تمسخر و در گوشی سخن گفتن، پرهیز کنید و خود را مشتاق به گفتگو و ارتباط با آن‌ها نشان دهید. یک صفحه شکرگزاری در زندگی‌تان باز کنید. مواردی که گمان دارید باید بابت آن‌ها شکرگزاری کنید، را بنویسید و این را در طول عمر تکمیل کنید.

از شکرگزاری بابت سفر اربعین، تا شکرگزاری بابت همسر و فرزندان نیکو تا شکرگزاری بابت رشتهٔ دانشگاهی، شأن اجتماعی، داشتن شغل خوب، داشتن سلامت جسمی، شکرگزاری بابت اینکه انسان آفریده شدید، در زمانهٔ هواپیما و موبایل خلق شدید، نه عصر کاروان و راهزن و ... سال‌ها بعد همین صفحات و موارد نوشته شده، نشان‌تان می‌دهد چقدر غرق در نعمت و خوشبختی‌های کوچک بودید. سفر اربعین سفری برای ساخته شدن است برای پیروزی روح معنویت در جسمی نفسانی... مسافر خوبی باشید.

رویکرد مداخله‌ای در بافت‌های تاریخی کشور، پیرو سندی ملی نیست

مصطفی پورعلی



مرمتی مواجه شدیم که در این گستره فعالیت دو اتفاق افتاد، اول اینکه بدنه کارشناسی میراث فرهنگی ضعیف شد و دانش سازمان به لحاظ علمی منتقل نشد. وی اظهار داشت: نکته قابل توجه دیگر این است که ساز و کار مالی پروژه‌های مرمتی در کشور در تغییرات برنامه‌های توسعه‌ای تغییراتی کرده است و ساز و کار و بودجه‌ای که برای اجرای پروژه‌های مرمتی در مجلس دیده شده است اساساً مناسب فضای مرمتی نیست.

احیا میراث فرهنگی فقط برای پول درآوردن نیست

دکتر علی‌رضا قلی نژاد، عضو هیات علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری در ادامه این برنامه با تأکید بر اینکه میراث فرهنگی به دردهایی از جمله میراث شهری، بافت تاریخی می‌خورد و احیا میراث فرهنگی فقط برای پول درآوردن نیست گفت: اساساً هر کاری در میراث فرهنگی انجام می‌شود برای حفاظت است.

وی تصریح کرد: بافت تاریخی به درد خیلی چیزها می‌خورد که آخرین آن پول درآوردن است و در احیا بافت تاریخی نکته مهم این است که هویت محلی حفظ شود.

قلی نژاد در ادامه دلایلی چون تغییرات اقتصادی اجتماعی، نیاز به توسعه و نوسازی‌های شتاب زده و ناپایداری، حاشیه نشینی، تغییر در ساختارهای شهری و ترافیکی، عدم توجه به میراث فرهنگی نزد مسئولین و تصمیم‌سازان، نگرانی‌های امنیتی، تغییر در سیاست‌ها و مدیریت‌های شهری سلاقی فرهنگی که معمولاً رسانه‌ها در ایجاد آن تأثیر دارند، حداقل بودن تسهیلات خدمات عمومی در این بافت‌ها و تمایلات ساکنین که کمتر مورد

توجه قرار می‌گیرد، را علت اینکه در بافت‌های تاریخی دچار مشکل هستیم دانست.

عضو هیات علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری خاطر نشان کرد: انتصابات مدیریتی در حوزه میراث فرهنگی در دو دهه گذشته باعث شده که مرجعیت میراث فرهنگی از دست برود لذا برای حل مسئله منظومه مدیریت کشور باید این واقعیت را بپذیرد که کشور ما کشوری تاریخی است و برنامه‌های تاریخی خود را با تاریخی بودن کشور هماهنگ کند.



سرچ آنلاین و باور به اخبار جعلی!

کوین اسلیت

سرچ آنلاین امروزه برای اکثر ما به فعالیتی روزمره تبدیل شده است. تا حدی که پژوهشگرانی مانند ست استیونز دیویدویتس معتقدند بررسی سابقهٔ سرچ‌های انسان‌ها بیشتر از هر منبع دیگری دربارهٔ آن شخص به ما اطلاعات می‌دهد. چرا که افراد معمولاً حتی چیزهایی را که خجالت می‌کشند با دیگران مطرح کنند، از موتورهای جستجو می‌پرسند. بدین ترتیب شاید بتوانیم بگوییم موتورهای جستجو صمیمی‌ترین دوستان آنلاین ما هستند و چیزهایی دربارهٔ ما می‌دانند که هیچکس دیگری نمی‌داند.

پژوهشگران سواد رسانه‌ای عموماً سرچ کردن را عادت می‌دانند که باعث می‌شود فرد در معرض منابع اطلاعاتی گوناگونی قرار بگیرد و با مقایسهٔ آن‌ها کمتر در دام اطلاعات گمراه‌کننده بیفتد.

با این حال، پژوهشی جدید که نتایج آن در مجلهٔ نیچر منتشر شده است، نشان می‌دهد که سرچ کردن همیشه ما را به افرادی آگاه‌تر تبدیل نمی‌کند. بلکه برعکس، ممکن است باعث شود زودتر اخبار جعلی یا اطلاعات گمراه‌کننده را باور کنیم. کوین اسلت و همکاران او در دانشگاه فلوریدا برای سنجیدن اثر سرچ در باور به اخبار جعلی، تحقیقی پنج‌مرحله‌ای طراحی کردند که طی آن مشارکت‌کنندگان دربارهٔ دو دسته از اطلاعات، در فواصل زمانی گوناگون، سرچ می‌کردند. یک دسته از این اطلاعات درست بودند و دستهٔ دیگر را اخبار جعلی و گمراه‌کننده تشکیل می‌داد.

آن‌ها اطلاعاتی راجع به همه‌گیری کرونا، واکسیناسیون و اقدامات دونالد ترامپ را به مشارکت‌کنندگان دادند تا با استفاده از سرچ تعیین کنند که درست هستند یا جعلی. نتایج این تحقیق بسیار نگران‌کننده بود. زیرا پیوستگی معناداری بین میزان استفاده از موتورهای جستجو و اینترنتی و باور به جعلیات دیده می‌شد. نویسندگان این تحقیق می‌گویند احتمالاً مقصر اصلی را باید الگوریتم‌های هدایت‌کنندهٔ موتورهای جستجو دانست. زیرا این الگوریتم‌ها اهمیت اندکی به اعتبار سنجی نتایجی می‌دهد که برای کاربران خود پیدا می‌کند و تکیهٔ آن‌ها بر مطالب ساده، پرطرفدار و جنجال‌برانگیز است. آن‌ها به‌جای اینکه «مفیدترین» اطلاعات را به کاربر بدهند، «جالب‌ترین» نتایج را به او نشان می‌دهند.

الگوریتم‌های شخصی‌سازی نتایج در موتورهای جستجو نیز می‌توانند این شرایط بدتر کنند. چرا که در نتیجهٔ آن‌ها به شکلی گریزناپذیر به ردهای دیجیتال خود می‌چسبیم و احتمال دریافت داده‌ها یا تحلیل‌های متفاوت کاهش می‌یابد.

پیش از این، متخصصان هشدارهای جدی دربارهٔ اتکا به سرچ‌های اینترنتی در حوزه‌هایی مانند سلامتی روانی یا مصرف داروی داده‌اند. اما تحقیق اسلیت و همکارانش نشان می‌دهد که باید این مسئله را در ابعدی بزرگ‌تر نگریم. در دنیای شلوغ و سریع امروز، ما ناچاریم تا دربارهٔ خیلی چیزها سرچ کنیم، اما لازم است به تکنیک‌های دیگر سواد رسانه‌ای نیز مجهز باشیم تا در دریای اطلاعات گمراه‌کننده و اخبار جعلی اینترنت غرق نشویم.

پن: آنچه خواندید مروری است بر مقالهٔ کوین اسلیت و همکارانش با عنوان «سرچ‌های آنلاین دربارهٔ اطلاعات نادرست می‌تواند تصور صحت آن‌ها را افزایش دهد»
Online searches to evaluate misinformation can increase its perceived veracity

که در شمارهٔ دسامبر مجلهٔ نیچر به انتشار رسیده است.

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: محمد جواد اهووی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس: طه اهووی | گرافیکست و صفحه آرا: سارا کولیوند
روابط عمومی: جهانگیر توسلی | ناظر هنری: محمدرضا مهدیانی
تلفن: ۰۲۱۸۱۶۰۵۲۰۱۸ - ۰۹۹۳۳۲۴۱۶۳۴ | آگهی‌ها: ۰۲۱۸۱۶۰۵۲۰۱۸
نشانی: بلوار کشاورز - خیابان عبدالله زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۵
چاپ: صمیم - ۴۴۵۸۲۸۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



بودن در جهان

فیلم گاهی از ساحت هستی شناختی به ساحت اخلاقی فرو افتاده و این شاید غفلت فیلمساز از تشریفی است که به ترس آگاهی پیدا کرده است. بید مجنون آنجا که سعی می‌کند پیام اخلاقی داشته باشد فرو می‌افتد. اثر هنری باید فارغ از دغدغه پیام باشد.

قورباغه؛ آبی که سر بالامی رود

ممکن است سریال «قورباغه» برای همه مخاطبان جذاب نباشد ولی ساخت چنین سریالی، خارج از فضای درام‌های تکراری، نقطه عطفی در سریال‌سازی شبکه‌ی نمایش خانگی محسوب شده و آن را به یکی از آثار برجسته و قابل توجه در میان تولیدات نمایش خانگی بدل کرده است و هومن سیدی با این سریال نشان داده که توانایی بالایی در کارگردانی دارد.



همیشه تسبیح خدا را بگویید...
که عامل نجات انسان در امور زندگی است

(سوره صافات آیه ۱۴۳)

زود بود طلا بگیرم

اشرف رامین



حریف بعد از اعلام قطع مبارزه از سوی داور انجام شد. این را به فال نیک می‌گیرم. شاید برای من زود بود در این سن فینالیست المپیک شوم و طلای بارزش المپیک را کسب کنم. المپیک ۲۰۲۸ تازه ۲۲ ساله می‌شوم و تلاش می‌کنم طی چهار سال پیش‌رو هدفی که در پاریس محقق نشد را جامه عمل بپوشانم و به طلای المپیک دست پیدا کنم. اینجا هرچه در توان داشتیم، گذاشتم ولی برخی مسائل و اتفاقات تحت کنترل ما نیست. من بعد از پایین آمدن از سکوی قهرمانی المپیک، عزم خود را برای موفقیت در المپیک بعدی و کسب مدال طلا جزم کرده‌ام و این را می‌دانم که باید برای رسیدن به آن سخت تلاش کنم. خیلی خوشحالم با این مدال باعث شادی مردم عزیز ایران شدم.»

نفر سوم المپیک ۲۰۲۴ از هم‌اکنون به موفقیت در المپیک ۲۰۲۸ لس‌آنجلس فکر می‌کند. مبینا نعمت‌زاده با هر سختی که بود اولین مدال آور تگواندوی ایران در پاریس بود و کسب مدال برنز توسط او به سایر ملی‌پوشان تگواندو نیز روحیه داد.

در کارنامه ملی‌پوش ۱۹ ساله جای مدال المپیک خالی بود و با تلاش فراوان نعمت‌زاده به این هدف هم رسید. مبینا نعمت‌زاده در گفتگو با مهر از نقش آنالیز حریفان در عملکردش در بازی‌های پاریس گفت: «قرعه ما از قبل مشخص بود و می‌دانستیم که حریفانمان چه تگواندوکارانی هستند، به همین دلیل تمرینات روی همین نفرات متمرکز شد و با کمک کادر فنی تیم ملی روی این حریفان و آنالیز آن‌ها خیلی کار کردیم. واقعاً برای پیروزی برابر حریف اسپانیایی برنامه‌ریزی دقیقی داشتم و اجازه ندادم او حرفی برای گفتن داشته باشد و این نتیجه همان آنالیزهای قبلی بود.»

دارنده برنز المپیک مطمئن است در دوره بعدی بازی‌ها می‌تواند مدال طلا بگیرد: «برای حضور در المپیک با وجود کم کردن وزن زیاد، بهترین شرایط فنی و بدنی را داشتم و خیلی حساب شده و برنامه‌پیش‌رفته و واقعاً حق من رسیدن به فینال بود. فقط برای کسب مدال طلا به پاریس آمده بودم. برابر نماینده چین باید پیروز می‌شدم، ضربه

پرونده فساد در فوتبال



- جزئیات مهم پرونده فساد در فوتبال از زبان رئیس کل دادگستری کرمان، حجت الاسلام ابراهیم حمیدی:
- ظرف ۱۵ الی ۲۰ روز آینده پرونده فساد فوتبال در دادسرا منتهی به تصمیم می‌شود تا کیفرخواست و قرار مجرمیت صادر و پرونده به مرحله دادگاه ارجاع شود.
- در حال حاضر فقط یک نفر از متهمان که از مسئولان فدراسیون است هنوز در بازداشت قرار دارد.
- تحقیقات پرونده در حال انجام و رو به تکمیل است.
- چهار نفر از مسئولان سابق باشگاه که در آن زمان مسئولیت داشتند جزو متهمان پرونده هستند.
- تعدادی از مسئولان وقت فدراسیون فوتبال کشور نیز در این پرونده مورد اتهام قرار گرفتند.
- حدوداً ۶ نفر از اصحاب رسانه مرتبط با این موضوع احضار شدند و تحقیقات و بررسی‌های لازم به عمل آمده است.
- حدوداً ۱۰۰ سکه و چند میلیارد تومان پول در این پرونده به شکل نامشروع میان افراد رد و بدل شده است.

هفته اول لیگ برتر زیر نظر کولینا



- فدراسیون فوتبال ایران در مکاتباتی با پیر لوییچی کولینا، رئیس کمیته داوران فیفا از او درخواست کرد تا عملکرد VAR در لیگ برتر را زیر نظر بگیرد.
- کولینا نیز ضمن تقدیر این اقدامات فدراسیون در راستای استفاده از کمک داور ویدیویی اعلام کرد: برای پیشبرد اهداف فوتبالی در مسیر بهره‌وری هرچه بیشتر سایر کشورها برای ورود VAR بازی‌های هفته اول لیگ برتر ایران را که با استفاده از سیستم VAR خواهد بود مورد بررسی قرار خواهد داد.

ورزش بانوان حمایت می‌خواهد، نه شعار!

شیوانوروزی



یک‌بار همه یادشان بیفتد رویدادی به نام المپیک وجود دارد و انتظار طلا داشته باشند، تخیلی است که به نتیجه نمی‌رسد. در حقیقت برای آنکه روزهای شاد و پرمدالی را همزمان با برگزاری بازی‌های المپیک تجربه کنیم باید حداقل چهار سال برای آن برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری داشته باشیم و از ورزشکاران حمایت واقعی شود. مدال‌های متعدد رشته‌های مدال‌آوری، چون تیراندازی، تیراندازی با کمان و دوومیدانی نصیب کشورهایی می‌شود که چهره‌هایشان را از سنین کودکی کشف و آن‌ها را تا موفقیت در المپیک حمایت کرده‌اند. جای خالی مدال برخی رشته‌های اعزامی در حالی در کارنامه کاروان ایران خالی بود که با سرمایه‌گذاری و حمایت‌های بیشتر امکان سوق دادن ملی‌پوشان آن‌ها به سمت سکوی المپیک وجود داشت. شاید اگر چند اردوی خارجی تیم ملی تیراندازی کنسل نمی‌شد و فشنگ کافی در تمرینات بود، تیراندازان ما به‌ویژه دختران تیرانداز ایران دست‌شان به مدال می‌رسید.

حمایت‌ها وقتی واقعی می‌شوند که تأثیر آن در کوتاه‌مدت و بلندمدت در فدراسیون‌ها و رشته‌ها دیده شود. کمبودهای مالی و تبعیض در بودجه موضوعات کلانی است که به غیر از وزارت ورزش باید از سوی نمایندگان مردم در مجلس و کمیسیون‌های مختلف آن پیگیری شود. گردش مالی فوتبال ایران میلیاردها تومان است و محاسبه آن از دست همه در رفته، ولی اکثر تیم‌های ورزشی برای اعزام به خارج با مشکلات جدی اقتصادی مواجه هستند. حمایت‌ها زمانی از مرحله شعار خارج می‌شوند که مدال‌آورانمان از آینده خود مطمئن باشند و بدانند مسئولان هم قدر آن‌ها را می‌دانند و در اتاق‌شان روی قهرمانان بسته نیست.

ضعیف در برخی رشته‌های اعزامی به پاریس است. تقدیر و تشکر از مدال‌آوران هم به همین چند روز اول خلاصه می‌شود و لیگ فوتبال که آغاز شود دیگر حتی مدال طلای المپیک نیز اهمیتی نخواهد داشت. نتایج تیم ملی تگواندو در پاریس در این دوره متفاوت و درخشان بود، به‌خصوص اینکه هر دو بانوی این رشته با دو مدال خوش‌رنگ به وطن بازگشتند. درخشش این دو چهره جوان را باید به فال نیک گرفت و شرایط را برای افتخارآفرینی‌های بعدی‌شان فراهم کرد. حمایت از ورزش بانوان، شعاری است همیشگی که بارها و بارها از زبان مسئولان مختلف شنیده شده است، ولی تجربه نشان داده به وقت عمل، عملاً خبری از تحقق این شعار نیست و توجهی به آن نمی‌شود. همانطور که فراکسیون بانوان در پیام خود تأکید کرده حمایت بیشتر از ورزش بانوان، شایستگی‌های آن‌ها را بیش از پیش به منصفه ظهور می‌رساند.

منتها بحث اصلی بر شعارهای حمایتی است که به مرحله اجرا در نمی‌آیند. فدراسیون تگواندو سال‌هاست که شرایط برابری را برای ملی‌پوشان خود فراهم کرده و این برابری در برگزاری اردوها و اعزام‌های بین‌المللی به وضوح قابل رؤیت است. نتیجه این برنامه‌ریزی و حمایت‌های هم‌جانبه موفقیت هر چهار تگواندوکار اعزامی به المپیک بود. ولی آیا این حمایت‌های یکسان شامل حال همه رشته‌ها می‌شود؟ ملی‌پوشان خانم همانند آقایان برای موفقیت، درخشش، قهرمانی و کسب سهمیه المپیک می‌جنگند و به شکلی خستگی‌ناپذیر تا رسیدن به هدف تلاش می‌کنند. رسیدگی، رفع کمبودها و تبعیض‌ها خواسته همه ورزشکاران است و در این بین بانوان ورزشکار نیز انتظاراتی از مسئولان دارند. اینکه هر چهار سال

اتمام بازی‌های المپیک فرصت خوبی است تا با بررسی نتایج کسب شده، عوامل تأثیرگذار در موفقیت و ناکامی‌ها ریشه‌یابی شوند و مسئولان و دست‌اندرکاران در جهت کمک به ورزش گام بردارند. صرف ارسال پیام تبریک و گرفتن عکس یادگاری با مدال‌آوران، دردی از دردهای ورزشکاران، به‌ویژه ورزشکاران زن دوا را نمی‌کند.

این روزها همه از کشتی و تگواندو حرف می‌زنند و کمتر کسی حواسش به نتایج